



# آستانه شاهزاده حسین

در قزوین

(تاریخ، مجموعه بنا و اسناد)

(۱)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

از

مدرسی طباطبائی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

# آستانه شاهزاده حسین در قزوین

( تاریخ ، مجموعه بنا و اسناد )

آستانه حضرت شاهزاده حسین در شهر قزوین - که مشهورترین و باشکوه‌ترین اماکن زیارتی و مشاهد متبرک آن شهر، و از توجه و اعتقاد کامل مردمان آن دیار برخوردار است - از کهن‌ترین مزارات موجود ایران است .

قدیم‌ترین مأخذی که از ذکر این مزار در آن آگاه شده‌ایم کتاب «تاریخ قزوین و فضائلها»<sup>۱</sup> تألیف حافظ ابویعلی خلیل بن عبدالله بن احمد قزوینی در گذشته ۱۴۶۶<sup>۲</sup> است . این کتاب اکنون در دست نیست لیکن بیش‌تر مطالب آن در کتاب «التدوین»<sup>۳</sup> با ذکر مأخذ نقل شده است . او در تاریخ خود از این مزار و نام و نسب مدفون در آن به گونه‌ای که چند سطر بعد در نقل عبارت کتاب التدوین خواهیم دید یاد می‌کند.<sup>۳</sup>

پس از آن عالم جلیل شیعی شیخ عبدالجلیل رازی در کتاب شریف النقص (نگاشته شده پیرامون سال ۵۶۰ هـ) ضمن سخن از اماکن زیارتی

۱- التدوین فی اخبار قزوین، رافعی، برگ ۲۰۳ نسخه شماره ۲۰۱۰ کتابخانه سلیمانیه استامبول (عکس کتابخانه عمومی آیت‌اله مرعشی نجفی در قم).

۲- همان مأخذ در همان برگ

۳- همان مأخذ : برگ ۳۶۶ A .

شیعیان آن عهد - پس از ذکر آستانه حضرت فاطمه معصومه در قم و آستانه حضرت عبدالعظیم در ری و یکی دو مورد دیگر - می نویسد:

«واهل قزوین سنی و شیعی به زیارت ابو عبدالله حسین بن الرضاروند»<sup>۴</sup>

پس از آن ابوالقاسم عبدالکریم بن محمد بن عبدالکریم رافعی قزوینی در گذشته ۶۲۳ در کتاب مشهور «التدوین فی ذکر اخبار قزوین» در فصل چهارم ذیل سخن از مقابر قزوین، ضمن شرح و وصف گورستان بزرگ آنجا از این مزار یاد کرده و می نویسد: «در این گورستان مزار منسوب به فرزند حضرت علی بن موسی الرضا (ع) است که در خردسالی در گذشته بود»<sup>۵</sup>. او همچنین در جایی دیگر از کتاب مزبور (ذیل شرح حال حضرت رضا - ع) می نویسد: «مشهور است که حضرت از قزوین عبور فرموده و می گویند که در سرای داود بن سلیمان غازی - که نسخه معروفه (صحیفه الرضا) را از وی روایت می کند - پنهان بوده است. این نسخه را اسحاق بن محمد و علی بن محمد محمد بن مپرویه و جز این دو (از داود بن سلیمان) روایت کرده اند. خلیل (حافظ) گفت که فرزند وی که در گورستان قزوین مدفون است می گویند دو ساله یا خردسال تر بوده است»<sup>۶</sup>.

حمدالله مستوفی در نزهة القلوب ذیل سخن از قزوین می نویسد:

«و در آنجا مشهد امام زاده حسین پسر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و قبر یکی از صحابه و مزار اولیای کبار بسیار است»<sup>۷</sup>. او

۴- النقص، شیخ عبدالجلیل زازی قزوینی، ص ۶۴۳ چاپ میرجلال الدین محدث ارموی.

۵- التدوین: برگ ۱۱ A نسخه یاد شده پیش.

۶- همان مأخذ: برگ ۳۶۶ A.

۷- نزهة القلوب، ص ۶۳ چاپ دبیر ساقی بنا بر نوشته کتاب مینو در (ص ۱۴۶) مستوفی در جایی دیگر از این کتاب ذیل شرح ماجرای آمدن حضرت رضا به قزوین نیز از دفن فرزند دوساله وی در این شهر که مشهد او معروف بوده است یاد می کند.

در تاریخ گزیده نیز در دومورد از این آستانه یاد کرده است، یکی در سرگذشت حضرت رضا (ع) که می نویسد :

«رضا را پنج پسر بود<sup>۸</sup> محمدجواد و جعفر و حسین که به قزوین مدفون است و یک دختر»<sup>۹</sup> و دیگر در بخش مربوط به قنوات و رودخانه ها و مساجد و مقابر قزوین (فصل پنجم از باب ششم) بدین گونه :

«گورستان های آن تمامت داخل شهر است و بهترین آن به کثرت و برکت مقبره ای است شرقی آن محله ری و غربی آن محله ارداق نزدیک رودخانه و شمال آن محله شهرستان و جنوبی آن پاروی شهر ارداق<sup>۱۰</sup> ... و در آن مقبره مشمهدی است از آن پسر علی بن موسی الرضا. وفات آن پسر در دوسالگی بوده و گویند حسین نام داشته»<sup>۱۱</sup>.

درمآخذ دوره صفوی از قبیل سراج الانساب احمد بن محمد بن عبدالرحمن کیای گیلانی<sup>۱۲</sup> و رساله اسدییه محمد قاسم مختاری عبیدلی سبزواری<sup>۱۳</sup> و زینة المجالس مجدالدین محمدالحسینی مجدی<sup>۱۴</sup> و

۸- در این عبارت بیش از سه تن نام برده نشده اند و گویا نام دو تن دیگر (حسن و ابراهیم) از نسخه هایی که اساس چاپ بوده است افتاده باشد. در این باره رجوع شود به رساله «تواریخ النبی والال» از حاج شیخ محمدتقی تستری چاپ شده در ملحقات قاموس الرجال او (جلد یازدهم) ص ۵۸ و تاریخ جهان آرا : ۲۷

۹- تاریخ گزیده ، ص ۲۰۵ چاپ عبدالحسین نوائی .

۱۰- شرح این حدود را در کتاب مینو در : ص ۱۱۶ می توان دید.

۱۱- تاریخ گزیده : ص ۷۸۴ همان چاپ .

۱۲- تألیف سال ۹۷۶، صفحه آخر نسخه شماره ۳۵۳۳ کتابخانه ملک

(برگ ۸۸ پ)

۱۳- چاپ تبریز ، ص ۹۷ .

۱۴- چاپ سنگی تهران - ۱۳۰۹ ه.ق ، ص ۳۸۲ .

تذکره هفت اقلیم<sup>۱۵</sup> و ضیافة الاخوان آقارضى قزوینی<sup>۱۶</sup> و کتاب های دیگر، نیز مآخذ دوره قاجاریه از قبیل حدائق السیاحه حاجی زین - العابدین شیروانی<sup>۱۷</sup> و بستان السیاحه هو<sup>۱۸</sup> و جنة النعیم حاجی ملا باقرواعظ کجوری<sup>۱۹</sup> و مرآت البلدان<sup>۲۰</sup> و منتخب التواریخ حاجی ملاهاشم خراسانی<sup>۲۱</sup> و جزاینها<sup>۲۲</sup> هم درباره این آستانه و مدفون در آن و خصوصیات مربوط دیگر سخن رفته است. جز آن که در یکی دو مورد<sup>۲۳</sup> مدفون در مزار را فرزند امام موسی کاظم (ع) و برادر حضرت رضا (ع) دانسته اند در حالی که در مصادر قدیم تر فرزند امام رضا (ع) دانسته شده بود چنان که امروز نیز به همین گونه مشهور است. در سراج الانساب کیای گیلانی نسب امام زاده را به گونه سومی ذکر کرده است این چنین: «ابو عبدالله حسین الثائر فرزند عنی بن داود بن ابی الکرام عبدالله بن محمد بن علی بن علی الزینبی بن عبدالله بن جعفر الطیار»<sup>۲۴</sup>. از این شخص در منتقلة الطالبیه «ابو اسماعیل ابراهیم بن ناصر بن طباطبا (از آثار قرن پنجم هجری) یاد شده و

- ۱۵ - تالیف امین احمد رازی، اقلیم چهارم، قزوین، ۱۳۰۳ ه. ق.  
 ۱۶ - رضی الدین محمد بن حسن قزوینی در گذشته ۱۰۹۶، ص ۲۲۲ نسخه خطی شماره ۱۶۷۱ کتابخانه مدرسه فیضیه قم.  
 ۱۷ - ص ۳۷۲ چاپ تهران - ۱۳۸۹ ه. ق.  
 ۱۸ - ص ۴۵۸ چاپ عکسی کتابفروشی سنایی و محمودی تهران.  
 ۱۹ - ص ۲۱۹.  
 ۲۰ - جلد چهارم، ص ۱۷۴-۱۷۵.  
 ۲۱ - ص ۵۲۷، ۵۲۸ و ۷۱۴ چاپ کتابفروشی محمدحسن علمی.  
 ۲۲ - از جمله سفرنامه های اروپاییان مانند سفرنامه مادام دیولافوا (ص ۱۱۳-۱۱۴ ترجمه فارسی) که ظاهراً از همه مبسوط تر است.  
 ۲۳ - زینة المجالس: ۳۸۲ بستان السیاحه: ۴۵۸ حدائق السیاحه: ۳۷۲.  
 ۲۴ - سراج الانساب، پایان کتاب (برک ۸۸ پ)، نسخه ۳۵۳۳ کتابخانه ملک (تهران).

گفته شده است که وی در روزگار معتمد عباسی (۲۵۶-۲۷۹) در قزوین قیام نمود و بر آن شهر دست یافت.<sup>۲۵</sup> در الفخری ابواسماعیل مروزی (نوشته سال ۶۰۶) نیز از این حسین و قضایای او باداعی حسن بن زید سخن رفته است.<sup>۲۶</sup> در عمدة الطالب نیز درباره او آمده است که نسل علی بن داود - نواده جعفر طیار - از فرزند او ابو عبدالله الحسین است که در قزوین قیام نمود و قبر او در همان شهر است.<sup>۲۷</sup>

## - ۱ -

### تاریخ مزار

بنابراین چنان که دیدیم مزار حضرت شاهزاده حسین در پایان قرن چهارم و آغاز پنجم مزاری شناخته شده و معروف بوده، و در میانه قرن ششم زیارتگاه عمومی مردمان قزوین از شیعه و سنی به شمار میرفته است.

در باره بنای پیشین این مزار و تطورات آن تا آغاز دوره صفوی آگاهی دقیق در دست نیست. به اجمال می دانیم که در قرن های هشتم و نهم بنای آستانه منحصر به بقعه روی مدفن امامزاده

۲۵- منتقلة الطالبیه ، چاپ نجف - ۱۳۸۸ هـ. ق ، ص ۲۵۱.

۲۶- الفخری ، ص ۱۰۱ نسخه شماره ۳۳۰/۲ کتابخانه مسجد اعظم قم .

۲۷- عمدة الطالب ، چاپ نجف - ۱۳۸۱ هـ. ق ، ص ۵۲ .

نبوده و مرافق و ملحقاتی داشته است. در خلدبرین محمد یوسف<sup>۲۸</sup> ضمن شرح ماجرای شورش درویش رضا در قزوین به سال ۱۰۴۱ و تمرکز او با طرفدارانش در آستانه شاهزاده حسین، از «مقبره میر فغفور» حجره‌ای در کنار بقعه مقدس «که مدفن یکی از سادات عظام آن ملک معمور بود» یاد می‌شود<sup>۲۹</sup> این میرفغفور کسی جز شریف معین‌الدین فغفور نقیب قزوین فرزند شمس‌الدین محمد نیای اعلای خاندان سادات مرعشی قزوین نمی‌تواند بود که در نیمه اول قرن هشتم می‌زیسته و ابن‌مهنّا عبیدلی در تذکره نسب خود از او یاد نموده است<sup>۳۰</sup>. بنا بر این به طبع مقبره‌وی از اواسط قرن مزبور جزء ضمایم مزار شاهزاده حسین بوده است.<sup>۳۱</sup>

در دهه نخستین قرن نهم حسن بن عماد بن جوانمرد مشتمر به فخر زرنندی در ج ۱-۸۰۶ توفیق یافته بود که صندوق مزار را تجدید کند و صندوق منبت نفسی را که اکنون بر تربت شریف قرار دارد به جای صندوق پیشین بگذارد.

۲۸- از آثار خوب دوره صفوی مشتمل بر یک دوره تاریخ عمومی تا آغاز دوره صفوی و یک دوره تاریخ فرمانروایی صفوی تا پایان دوره شاه سلیمان (مقدمه احمد سهیلی خوانساری بر ذیل عالم‌آرای عباسی). لیکن نسخه‌هایی که در فهرست منزوی (۶ : ۴۱۵۰-۴۱۵۱) از این کتاب معرفی شده هیچیک خانمه آن را که تاریخ دوره شاه سلیمان و مهم‌ترین بخش کتاب است ندارد.

۲۹- خلدبرین، حدیقه ششم از روضه هشتم (نسخه شماره ۴۱۳۲ کتابخانه ملک - تهران) واز آنجا در مینودر : ۴۶۲-۴۶۵.

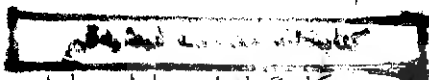
۳۰- مقدمه احقاق الحق : ۱۲۱-۱۲۲ موارد الاتحاف ۲ : ۷۸ با تغییر نام فغفور به «یعفور» که گویا خطای چاپی است / سراج‌الانساب در نسب‌نامه سیدصفی‌الدین شکراله از سادات مرعشی قزوین در نیمه دوم قرن دهم و نواده همین میرفغفور (برک ۷۷ نسخه شماره ۳۵۳۳ کتابخانه ملک).

۳۱- با توجه به این نکته که در این گونه موارد مقبره این قبیل اشراف و رجال را بی‌فصل زمانی پس از آنان بنا می‌کنند (اگر خود در زمان زندگی و حیات به فکر آن نیفتاده باشند) نه یکی دو قرن بعد. پس مقبره مورد سخن پس از مرگ میرفغفور و دفن او در محل مذکور در همان قرن هشتم وجود داشته است.

کتابخانه مدرسه نجفیه



پیش از آغاز دوره صفوی در قرن های هشتم و نهم ، امرا و فرمانروایان گیلان و دیلمستان نسبت به این آستانه توجهی خاص داشته اند . کیامنک فرزند کیا اسماعیل فرزند کیا امیران شاه دیلمی ، از فرمانروایان سلسله امراء هزار اسپی - حکمرانان ولایت دیلمستان واشکور - در ماه محرم سال ۷۷۳ به زیارت این آستانه مفتخر گردیده و تمامت هفت زیوار از دیه دستجرد حماد از قراء بلوک اقبال قزوین را بر مخارج و مصارف آن وقف نموده است که وقف نامه آن را مورخ ۲۰ محرم همین سال پس از این خواهیم دید .<sup>۳۲</sup>



در سال ۸۴۷ سلطان محمد کارگیارا «خاطر مایل به تفرج شهر و بازار قزوین و زیارت امام زاده اعظم شد . علی الصباح سوار گشته عازم قزوین شدند . چون از راه پنبه ریسه به .... باغات رسیدند شیوخ و سادات و علماء و زهاد با غلغله تکبیر و صلوات استقبال نمودند و به سعادت چون به شهر درآمدند به زیارت امامزاده مشرف گشتند...»<sup>۳۳</sup>

در سال ۷۸۲ که میرزا سلطان ابوسعید گورکانی به عزم جنگ با اوزن حسن روانه آذربایجان بود به هر شهر که می رسید به طواف مزارات اولیاء و مشایخ رفته شرایط ارادت به تقدیم می رسانید و فقرا و مستحقان را به صلوات و صدقات محظوظ و بهره ور می گردانید<sup>۳۴</sup> اودر ۷۸۳ به قزوین رسید و پس از زیارت مزارات باب الجنة قزوین<sup>۳۵</sup>

۳۲- سند شماره ۱ در بخش اسناد از همین بحث .

۳۳- تاریخ گیلان و دیلمستان ، سید ظهیرالدین مرعشی ، به تصحیح دکتر منوچهر ستوده: ص ۲۵۹ . پیداست که این «امامزاده اعظم» جز شاهزاده حسین نیست .

۳۴- حبیب السیر ۴ : ۸۸ چاپ تهران .

۳۵- جز آستانه شاهزاده حسین «تربت حضرت زبده السالکین شیخ احمد غزالی» (حبیب السیر ۳ : ۲۳۰) نیز از مزارات مورد احترام و معتبر آن روزگار قزوین بوده است .

عازم سلطانیه شد.<sup>۳۶</sup>

در سال ۸۹۸ حضرت میرزا علی کیا از دیلمان به قزوین رفت . «بعد از استقامت نواب حضرت به قزوین، خاطر مهر تنویر به زیارت مزارات و استفاضة انوار سعادات امام زاده حسین مایل شد و روی دولت به گلگونه خاک آن شهید سعید بر افروخت و وظایف شکر و شکرانه به ادا رسانید و از مقام «وابتغوا من فضل الله» به بسی غنایم از فتوحات دنیوی و کرایم ذخایر اخروی فایز گشت و خیرات و صدقات به ارباب استحقاق و محتاجان و زایران آن بقعه شریفه ایثار نمود.»<sup>۳۷</sup>

متولیان آستانه در این قرن - و گویا پیش از آن هم - امر احتساب قزوین را که در آن عهد منصبی بزرگ بود نیز در دست داشته اند<sup>۳۸</sup> که خود مبین اهمیت و حرمت شغل تولیت آستانه مزبور در آن روزگار، و به ملازمه کاشف از میزان اهمیت و تقدس خود مزار در آن ادوار است .

در طول قرن نهم رقباتی نیز بر موقوفات آستانه مقدس افزوده شده بود. از جمله از سندی مورخ به سال ۹۳۳ که متن آن را پس از این در همین بحث خواهیم دید<sup>۳۹</sup> بر می آید که امیر غیاث الدین حسنی گویا در اواخر این قرن حمامی واقع در محله شهرستان قزوین را بر آستانه وقف داشته که پس از درگذشت او، ورثه وی در آغاز

۳۶- مقاله تاریخی قزوین، حسینقلی ستوده، مجله بررسیهای تاریخی، شماره ۵ و ۶ سال چهارم، ص ۱۷۱ به نقل از تاریخ گیلان و دیلمستان : ۳۲۵ .

۳۷- تاریخ خانی، علی بن شمس الدین بن حاجی حسین لاهیجی، به تصحیح منوچهر ستوده : ص ۵۴ .

۳۸- به شهادت فرمانی از شاهرخ که در بخش اسناد ضمن سخن از مقام تولیت آستانه بدان اشاره خواهد رفت و مؤید است به نوشته اسدیه : ۹۷ و مجالس المؤمنین ۱ : ۱۴۹ .

۳۹- سند شماره ۳، امکان هم دارد که این وقف مربوط به دوره شاه اسماعیل اول باشد . در این سند از موقوفات دیگر آستانه نیز در آن تاریخ یاد می شود .

دوره صفوی در این باب گفتگویی بامتولیان آستانه داشته اند و جمال الدین محمد صدراستراآبادی (صدرشاه اسماعیل و طهماسب از ۹۲۰ تا ۹۳۱) بر نفوذ وقف و بطلان دعوی ورثه حکم نموده بود .

در قرن دهم پس از آن که صفویان بر تخت و تاج دست یافتند این آستانه نیز مانند همه مزارات منسوب به دودمان پیامبر اکرم در سراسر ایران اهمیت و رونق بسیار یافت به خصوص در دوران طهماسب که قزوین در بیشتر آن دوره عملاً (وسالیانی دراز رسماً نیز) مقر سلطنت و پایتخت او به شمار می رفت. بنای بقعه مدفن شاهزاده حسین در این دوره وسیله طهماسب تجدید گردیده و بنائی نو - ظاهراً در آغاز تبدیل شهر قزوین به پایتخت دائمی وی در دهه هفتم قرن مزبور<sup>۴۰</sup> به جای بنای پیشین بنیاد گردیده است.<sup>۴۱</sup> در سال ۸۶۷ که باید سال اتمام بنای جدید مزار باشد به فرمان وی در منبت نفیسی برای بناتمیپیه و نصب گردیده که تا این زمان در درگاه ورود شمالی بقعه برپاست. در میانه این قرن مقبره شاهزاده حسین «محل اجتماع مردم» بود.<sup>۴۲</sup>

در این دوره موقوفاتی بسیار بر آستانه مقدس وسیله پادشاه و دیگر افراد خاندان سلطنتی و امراء آن عهد وقف گردیده که به طبع در رواج و رونق هر چه بیشتر آستانه سهمی به سزا داشته است. شاه طهماسب خود رقباتی - از جمله حمام شاهی قزوین را که جزء مستحدثات خود وی و پیوسته به کاخ سلطنت بود در سال ۹۳۸ - بر آستانه وقف نمود و شاه بیگی بیگم همسر شاه اسماعیل اول نیز دو بار در سال های

۴۰- عالم آرای عباسی ۱۰ : ۹۵-۹۶ .

۴۱- خلاصه التواریخ : برگ ۲۳۲ عکس شماره ۵۵۶۷ کتابخانه مرکزی

دانشگاه تهران .

۴۲- فردوس در تاریخ شوشتر ، از علاءالمک حسین مرعشی : ۵۷ .

۹۳۸ و ۹۴۳ املاکی چندبرآستانه موقوف داشته که اسناد آن را پس از این در همین بحث خواهیم دید.<sup>۴۳</sup> از سندی مورخ ۹۳۸ برمی آید که امیرکمال الدین ملک بیک در پیرامون سال مزبور قناتی جهت مصارف آستانه احداث و آن را بر مزار شریف وقف نموده بود.<sup>۴۴</sup> میرزا شرف جهان حسینی قزوینی از رجال معروف این دوره فرزند قاضی جهان حسینی وزیر طهماسب نیز نزدیک به نیمی از مزرعه گناج از مزارع دهستان اقبال قزوین را برای مزار موقوف داشت.<sup>۴۵</sup> به اجمال آن چنان که به خصوص از اسناد دوره صفوی<sup>۴۶</sup> برمی آید آستانه شاهزاده حسین در قرن دهم موقوفاتی بسیار یافته بوده و بیش تر این موقوفات تا پایان آن دوره در اختیار متولیان آستانه بوده است.

تولیت آستانه در این دوره نیز مقامی بزرگ بود. شاه طهماسب در سال ۹۳۲ در نظر داشت سید زین العابدین متولی مزار شاهزاده حسین را به رسالت نزد خواندگار روم (پادشاه عثمانی) به استانبول بفرستد.<sup>۴۷</sup> شاه عباس نیز درویش بیک از سادات مرعشی قزوین را در سال ۱۰۲۰ همراه قاضی خان حسینی سیفی قزوینی صدرخویش به رسالت به دربار روم<sup>۴۸</sup> و پس از آن در سال ۱۰۲۳ به دکن نزد نظام شاه<sup>۴۹</sup> فرستاد. پیش از اینها شاه اسماعیل نیز قاضی ضیاء الدین

۴۳- اسناد شماره ۷ و ۸ و ۹.

۴۴- سند شماره ۷ همین جا.

۴۵- سند شماره ۴۸

۴۶- از باب نمونه فرمان مورخ رجب ۹۴۴ شاه طهماسب که در بخش اسناد به شماره ۱۰ خواهد آمد دیده شود.

۴۷- تذکره شاه طهماسب: ص ۱۳ چاپ ۱۳۴۳ (ه.ق) برلین.

۴۸- تاریخ عالم آرای عباسی ۲: ۸۴۹.

۴۹- همان مأخذ ۲: ۸۶۶ و ۹۵۱.

نورالله حسینی مرعشی را نزد شیبک خان از یک فرستاده بود چنان که در مقدمه بخش اسناد در سخن از مقام تولیت آستانه خواهیم دید. از نیمه دوم قرن دهم تا اوائل قرن یازدهم که قزوین پایتخت رسمی و محل دائمی اقامت پادشاهان صفوی بود اجساد پادشاهان و شاهزادگان و رجال بزرگ در گذشته آن دولت در مزار شاهزاده حسین دفن یا به امانت سپرده می شد. از جمله آنان قاضی جهان حسینی (زاده بامدادان پنجشنبه ۱۲ محرم ۸۸۸ در قزوین و در گذشته شامگاهان جمعه ۱۷ ذح - ۹۶۰) <sup>۵۱</sup> وزیر دیوان اعلی از آغاز سلطنت طهماسب تا پایان زندگی <sup>۵۱</sup> است که در سال ۹۶۰ در این مزار به خاک رفته است. <sup>۵۲</sup>

مولانا مالک دیلمی قزوینی از خوشنویسان بزرگ دوران صفوی و استاد خط میرعماد قزوینی در سال ۹۶۹ در گذشته و در «مقبره مزار امامزاده حسین» مدفون گردیده است. <sup>۵۳</sup> سرگذشت این خوشنویس مشهور دوره طهماسب در گلستان هنر قاضی احمد قمی <sup>۵۴</sup> به تفصیل هست. کتابه های کاخ پادشاهی و ایوان چهل ستون قزوین به خط وی بوده <sup>۵۵</sup> و بر شرفه درگاه باغ سعادت آباد آنجا نیز که مدخل عمارات شاهی بوده کتیبه ای به خط وی قرار داشته است <sup>۵۶</sup>. قطعه ای

۵۰- خلاصه التواریخ قاضی احمد قمی : برگ ۱۴۶ عکس شماره ۵۵۶۶ دانشگاه جهان آرا : ۲۸۲ و ۳۰۱.

۵۱- همان مأخذ : برگ ۵۷ و ۵۹ عکس ۵۵۶۵.

۵۲- ایضاً : برگ ۱۴۰ عکس ۵۵۶۶ / احسن التواریخ روملو ۱۲ : ۳۷۶.

۵۳- خلاصه التواریخ : برگ ۱۶۶ عکس ۵۵۶۶.

۵۴- چاپ بنیاد فرهنگ ایران ، ص ۹۲-۹۷. نیز بنگرید به صفحات ۲۶ و ۱۲۱ آن کتاب.

۵۵- گلستان هنر : ۹۴-۹۶.

۵۶- ذیل عالم آرای عباسی : ۱۲۸.

از خط او مورخ به سال ۹۶۸ در کتاب مینودر<sup>۵۷</sup> و قطعه دیگری در پایان کتاب گلستان هنر به چاپ رسیده است. مجموعه‌ای از چند رساله در قم دیده‌ام که سه چهارتای آن را همین مالک دیلمی در تواریخ گوناگون نوشته و یکی از آنها تاریخ سال ۹۵۰ دارد<sup>۵۸</sup>.  
 خاندان دیلمی قزوین که از خاندان‌های اصیل شیعی آن سرزمین بوده و بزرگانی همچون ملک محمود خان دیلمی و وزیر یعقوب بیک آق-قویونلو<sup>۵۹</sup> و دو فرزند او شاه‌میر (شاگرد شاه محمود نیریزی) و امیر بیگ وزیران شاه اسماعیل اول از آن برخاسته‌اند خود را از نژاد مالک اشتر نخمی صحابی بزرگ و بزرگوار حضرت مولی امیر مؤمنان (ع) می‌دانسته‌اند<sup>۶۰</sup>.

در شب چهارشنبه ۱۴ ج ۱-۹۶۹ نیز شاهزاده سلطانمهمین بانو دختر کوچک شاه اسماعیل و خواهر تنی و اعیانی طهماسب، واقف موقوفات بسیار در شروان و تبریز و قزوین و ساوج بلاغ و شهریار و ری و اصفهان و گرهرود و استرآباد<sup>۶۱</sup> درگذشت. «صبح شاه با فلاح به نفس نفیس مبارک خود تشییع جنازه محفوف

۵۷- صفحه ۷۲۳.

۵۸- مالک نسخه سید شمس‌الدین موسوی (هندی) است.

۵۹- در سندی مورخ ۹۰۲ با مهر رستم بیک آق‌قویونلو نام و سجل محمود دیلمی هست (فرمان‌های ترکمانان قراقویونلو و آق‌قویونلو: ۱۳۶). در احسن-التواریخ روملو ۱۱: ۵۶۹ از شاه شرف‌الدین محمودخان دیلمی یاد می‌شود. در اسناد و احکام دوره آق‌قویونلو توقیع و مهر نعمت‌الله دیلمی (فرمان‌های ترکمانان قراقویونلو و آق‌قویونلو: ۱۲۳) و عنایت‌الله دیلمی (همان مأخذ: ۱۳۶) و افرادی دیگر از این خاندان دیده می‌شود.

۶۰- مجالس المؤمنین ۱: ۱۴۹ چاپ حرفی تهران. در معرفی مالک دیلمی چون با تاریخ شهر قزوین بستگی داشت چند سطر اضافی نوشته شد که با تاریخ آستانه شاهزاده حسین به خصوص ارتباط ندارد.

۶۱- سرگذشت زندگی او به تفصیل در خلاصه‌التواریخ: برگ ۱۶۲-

۱۶۵ عکس شماره ۵۵۶۶ دانشگاه. نیز نگاه کنید به تربت پادگان ۱: ۳۳ و ۲۲۸.

به مغفرت بی اندازه اش نموده ، تا مزار کثیرالانوار امامزاده واجب الاحترام شاهزاده حسین علیه و آباءه التحیه نقل فرمودند و در آن مکان شریف به اتفاق علما و صلحا و فضلا بر او نماز گزارند.<sup>۶۲</sup>

در سال ۹۷۸ فرزندی از میر محمدیوسف صدرشاه طهماسب در جوار مزار کثیرالانوار شاهزاده حسین در قزوین مدفون بود.<sup>۶۳</sup>

در میانه صفر سال ۹۸۴ شاه طهماسب درگذشت و منازعاتی خونین بر سر تعیین جانشین او میان امراء قزلباش آغاز گردید .

روز چهارشنبه ۱۶ صفر سلطان حیدر میرزا فرزند سوم طهماسب<sup>۶۴</sup> که نامزد جانشینی او بود وسیله مخالفان به قتل رسید<sup>۶۵</sup> جسد او

را روز پنجشنبه ۱۷ صفر «به درآستانه مقدسه منوره سدره مرتبه امامزاده حسین علیه و آباءه السلام بردند که سادات آنجا هر جا که خواهند وی را دفن کنند. سادات او را در درآستانه بر سر راه دفن کردند.»<sup>۶۶</sup>

سرانجام پس از چندین روز کشمکش خونین اسماعیل میرزا از قلعه قهقهه سررسید و بر تاج و تخت دست یافت. مهم ترین اقدامی که او در راه استقرار سلطنت خود انجام داد کشتن شاهزادگان صفوی بود که دوتن از آنان سلطان مصطفی میرزا و سلطان سلیمان میرزا<sup>۶۷</sup>

در شب سه شنبه ۷ شعبان ۹۸۴ کشته شده و هر دو در آستانه حضرت شاهزاده حسین به خاک رفتند.<sup>۶۸</sup>

۶۲- خلاصه التواریخ : برگ ۱۶۴ عکس مزبور (نیز جهان آرا : ۳۰۷ و تواریخ دیگر) .

۶۳- همان مأخذ : برگ ۲۱۷ عکس ۵۵۶۷ دانشگاه .

۶۴- عالم آرا ۱ : ۱۳۳ و تواریخ دیگر .

۶۵- عالم آرا ۱ : ۱۹۷ و همه تواریخ دیگر این دوره .

۶۶- خلاصه التواریخ : همین جا / عالم آرا ۱ : ۱۹۷ .

۶۷- شرح حال آنان در تاریخ عالم آرا ۱ : ۱۳۳-۱۳۴ .

۶۸- خلاصه التواریخ : برگ ۲۴۱ عکس ۵۵۶۷ دانشگاه / عالم آرا ۱ : ۲۰۶ .

پس از آن در روز چهارشنبه ۲۷ شعبان ۹۸۴ جسد شاه طهماسب را که پس از مرگ وی به خاطر ناآرامی‌ها در باغچه حرمسرای او به امانت نهاده شده بود «به مزار کثیر الانوار امامزاده شاهزاده حسین علیه وآبائه السلام والتحیه نقل نموده» و «در جوار آن امامزاده واجب‌التعظیم دفن کردند» و در آن جا بر مدفن وی چند روز فائحه نهاده، شاه اسماعیل خود شخصا از صبح تا رواح خدمت می نمود.<sup>۶۹</sup> «بعد از چندگانه ..... جسد مطهر شاه دین پناه را از آن خاک پاک بیرون آورده و نقل مشهد مقدس رضیه رضویه نمودند».<sup>۷۰</sup>

چندی بعد اسماعیل دوم به قتل دیگر شاهزادگان صفوی پرداخت و از جمله در روز یکشنبه ۵ ذی‌حجه سال ۹۸۴ سلطان ابراهیم میرزا شاهزاده ناضل و هنرمند صفوی را کشته و جسد او در آستانه مزار مقدس امامزاده حسین در جنب سایر شاهزادگان دفن گردید.<sup>۷۱</sup> در همان روز به فرمان او پنج تن دیگر از شاهزادگان صفوی: امام قلی میرزا و سلطان احمد میرزا و سلطان محمود میرزا فرزندان شاه طهماسب و محمد باقر میرزا فرزندان سلطان محمود میرزا و محمد حسین میرزا به قتل رسیده و در کنار شاهزادگان پیشین به خاک رفتند.<sup>۷۲</sup>

اندکی بعد نوبت خود شاه اسماعیل فرا رسید که در شب یکشنبه ۱۳ رمضان سال ۹۸۵ دیده از جهان فرو پوشید و با عداد دوشنبه ۱۴ رمضان جسد او را «به طریقی که سایر شاهزاده‌ها را

۶۹- خلاصه التواریخ : برك ۲۴۲ همان نسخه / نقاوة الآثار نطنزی : ۲۴-۲۵ / احسن التواریخ روملو ۴۸۵:۱۲ / عالم آرا ۲۰۶:۱ / روضة الصفا ۲۵۷:۸ نیز به بینید زندگانی شاه عباس اول ، نصراله فلسفی ۲۵:۱ .  
۷۰- نقاوة الآثار : ۳۶ و مصادر دیگری که در پاورقی پیش یاد شد .  
۷۱- خلاصه التواریخ : برك ۲۴۳ عکس ۵۵۶۷ دانشگاه .  
۷۲- عالم آرا ۱ : ۲۰۹-۲۱۰ (شرح حال شاهزادگان در ۱۳۲-۱۳۵) / احسن التواریخ روملو ۴۹۰:۱۱ / خلاصه التواریخ : همین جا .



حمالان نقل آستانه امامزاده واجب الاحترام شاهزاده حسین علیه و علی آباءه التحیه و الثناء نموده بودند به همان دستور او را به همان شوکت و عظمت بردند و در جنب شاهزاده ها دفن نمودند»<sup>۷۳</sup> . «جسد او چند مدت در مزار امامزاده حسین قزوین مدفون بود و سپس به مشهد مقدس معلی نقل گردید»<sup>۷۴</sup>

ظهر پنج شنبه ۱۱ ج ۱- ۹۸۶ شاه مظفرالدین علی انجوقا ضی عسکر و صدر شاه خدا بنده در قزوین درگذشت و در جوار امامزاده بزرگوار شاهزاده حسین به خاک رفت<sup>۷۵</sup>

نواب بیگم همسر شاه خدا بنده و مادر شاه عباس روز یک شنبه ۱ ج ۲- ۹۸۷ در قزوین به دست امراء قزلباش کشته شد و جسد وی نیز در روز دوشنبه ۲ ج ۲ در مزار کثیر الانوار امامزاده حسین دفن گردید<sup>۷۶</sup>

روز جمعه ۱۸ ع ۲ - ۹۹۰ میر علاء الملک مرعشی که در دوران طهماسب قاضی عسکر و صدر گیلان بود در قزوین وفات یافت و به اعزاز و احترام در تحت قبه سامیه امامزاده حسین مدفون شد<sup>۷۷</sup>  
روز دوشنبه ۱۸ ذی حجه سال ۹۹۱ شاهزاده شهر بانو خانم دختر شاه طهماسب و همسر سلمان خان استاجلو در قزوین درگذشت و در جوار آستانه به خاک رفت<sup>۷۸</sup>

۷۳- خلاصه التواریخ : برك ۲۵۰ همان عكس ، نیز برك ۲۴۳ .

۷۴- همان مأخذ : برك ۲۴۶ .

۷۵- ایضاً : برك ۲۵۹ .

۷۶- خلاصه التواریخ : برك ۲۶۷ عكس ۵۵۶۸ دانشگاه . نیز عالم آرا ۱: ۲۵۱

و زندگانی شاه عباس ۱: ۵۷ .

۷۷- خلاصه التواریخ : ۲۷۹ همان عكس .

۷۸- همان مأخذ : ۲۹۲ .

ازدیگر نام آورانی که در اواخر قرن دهم در آستانه شریف مدفون شده اند مولانا مظفر علی تربتی خوشنویس و نقاش چیره دست دوره شاه طهماسب است<sup>۷۹</sup>

تقی الدین محمد اوحدی بلیانی اصفهانی نگارنده تذکره عرفات العاشقین<sup>۸۰</sup> در سال ۹۹۵ در مزار شاهزاده حسین قبری منسوب به شیخ احمد غزالی را زیارت کرده و از تصمیم شاه عباس به محو اثر آن و چگونگی انصراف او از این کار سخن گفته است<sup>۸۱</sup>

در سال ۹۹۶ «شاه خجسته خصال (عباس) امر فرمود که جسد شاه اسماعیل ثانی که در مزار متبرکه امامزاده واجب الاحترام شاهزاده حسین علیه وآبائه التحیه مدفون بود با جسد نواب غفران پناه علیه عالیه بیگم<sup>۸۲</sup> و شاهزاده بیگم والده ماجده و همشیره اعیانیه شاه سکندر پناه و جسد شاهزاده سلطان حسن میرزا که در طهران مدفون بود - پیش کرده ، به مشهد مقدس برده ، در آن آستانه ملایک پاسبان مدفون گردانند»<sup>۸۳</sup>

در سال ۹۹۹ «اسماعیل سلطان برادر امیرخان موصلو راکه از گریختگان درگاه بود او را گرفته ، آوردند. در اثناء سیاست گریخته پناه به آستانه امامزاده واجب الاحترام شاهزاده حسین برد. پیر احمد موصلو که از اقوام او بود او را به قتل رسانید»<sup>۸۴</sup>

در همین سال «در روزیک شنبه بیست و هفتم شهر شوال شاهزاده

۷۹- گلستان هنر : ۱۴۱ .

۸۰- درباره این کتاب و مؤلف آن رجوع شود به تاریخ تذکره های فارسی ،

گلچین معانی ۲ : صفحه ۳-۲۴ .

۸۱- مینودر : ۶۷۳ به نقل از عرفات العاشقین ، نسخه کتابخانه ملک .

۸۲- خیرالنساء بیگم مادر شاه عباس ، مقتول به سال ۹۸۷ .

۸۳- خلاصه التواریخ ، چاپ ویسبادن : ص ۴۲ .

۸۴- همان مأخذ ، ص ۹۹ .

سلطان حسین میرزا که در سن سه سالگی بود و کمال فطرت و فراست داشت در دارالسلطنه قزوین داخل حوریان بهشت شد. نواب صدارت پناه میرا بوالولی حسب الامر عالی به تجهیز و تغسیل اوقیام آورد و او را در جنب قبر امام زاده دفن نمودند.<sup>۸۵</sup>

شاه عباس اول در روزیک شنبه ۱۹ ع ۱۰۰۳-۱ در روی مزار شاهزاده حسین صحنه ای از جنک حیدری و نعمتی راکه برای او ترتیب شده بود تماشا می نموده است.<sup>۸۶</sup>

پس از شاه طهماسب و اسماعیل دوم سومین پادشاهی که در جوار آستانه به خاک رفت شاه خدا بنده بود. او در سال ۱۰۰۴ هنگامی که فرزندش شاه عباس به خراسان لشکر کشیده بود در قزوین به بیماری اسهال درگذشت و در حرم امام زاده مدفون گردید.<sup>۸۷</sup> جسد او را نیز پس از چندی به عتبات عالیات فرستادند.

در سال ۱۰۳۵ ابوتراب نامی محجری چوبین برای مرقد شریف ساخته و بر روی صندوق منبت نصب نمود.<sup>۸۸</sup>

در سال ۱۰۴۰ زینب بیگم دختر شاه طهماسب که محترم ترین بانوان حرم شاه عباس بوده و شاه مزبور در بیشتر امور با او مشورت می نمود<sup>۸۹</sup> بنای مزار را تجدید کرده است. کتیبه ای از کاشی معرق که پیش تر گویا بالای درگاه ورود همین بنا بوده و اکنون در بالای سردر ورود جنوبی صحن آستانه از داخل نصب گردیده است از این تجدید حکایت می کند.

۸۵- همان مأخذ و همان صفحه .

۸۶- زندگانی شاه عباس اول ۲: ۳۲۸ .

۸۷- عالم آرا ۱: ۵۱۶-۵۱۷ / زندگانی شاه عباس اول ۲: ۱۶۶ .

۸۸- کتیبه محجر مزبور که متن آن در مینودر نقل شده است .

۸۹- عالم آرا ۱: ۱۳۵ و فهرست نامها / زندگانی شاه عباس اول ۱: ۲۵۰

(پاورقی شماره ۱۰۰ در بخش دوم همین نوشته نیز دیده شود) .

در سال ۱۰۴۱ درویش رضانامی دردی که کافور آباد از بلوک قاقزان قزوین گروهی را گرد خود جمع آورده و بر حکومت شورید و به قزوین آمده، «روی به آستانه متبرکه امامزاده لازم التعظیم شاهزاده حسین علیه التحیه والتسلیم که در کنار شهر واقع است نهاده، بار اقامت در حصار آن مزار کثیر الانوار گشاد و جمعی که به مرافقت آن ملحد نادان داخل حصار شده بودند بر در حجره ای که مدفن یکی از سادات عظام آن ملک معمور و مشهور به میر فغفور بود جمع آمده بنیاد شروشور و آغاز فتنه و فتور نمودند». داروغه شهر شاه وردی خان بیک ترخان ترکمان برای سرکوبی آنان با مردمان خویش به حصار امامزاده آمده و شورشیان، «مقبیره فغفور» را سنگرگاه خویش قرار دادند و سرانجام پس از برخوردی شدید، درویش رضا و طرفدارانش به شرحی که در تواریخ این دوره هست در داخل حصار آستانه کشته شدند و غائله پایان یافت<sup>۹۰</sup>.

در دوره شاه سلطان حسین نیز توجه و اهتمامی خاص در رواج و رونق این مزار شریف مصروف گردیده است. او خود در سال ۱۱۳۰ به زیارت آستانه مقدس نائل شده<sup>۹۱</sup> و کتیبه کمر بندی حرم شریف که مورخ ۱۱۳۱ است گویای آن است که به دستور وی دست کم تزیینات مزار به صورت کامل تجدید یافته که به طبع با مرمت و تعمیر بنا همراه بوده است. او گویا در همین سفر باغ صنفی آباد مشهور به هزار جریب و باغ سلیمان آباد را بر آستانه شاهزاده حسین و امام زاده اسماعیل و پیغمبریه قزوین وقف نمود<sup>۹۲</sup>.

از متن اسناد دوره قاجار این مزار برمی آید که در اوائل

۹۰- خلدبرین محمدیوسف، حدیقه ششم از روضه هشتم (نسخه شماره ۴۱۳۲ کتابخانه ملک) / ذیل عالم آرای عباسی، اسکندریک ترکمان: ۸۴-۸۴.

۹۱- سند شماره ۲۹ در بخش سوم از همین نوشته.

۹۲- سند شماره ۴۷ همین جا.

فرمانروایی فتحعلی شاه گنبد مزار دچار ریختگی و خرابی شده و نیازمند مرمت اساسی بود<sup>۹۳</sup>. در متن چند سند دیگر از نابسامانی و اغتشاش و درهم ریختگی و بی نظمی امور آستانه در میانه قرن سیزدهم یاد می شود<sup>۹۴</sup>. از مینو در استفاده می شود که ناصرالدین شاه نیز این مزار را زیارت نموده است.<sup>۹۵</sup>

تاریخ کتیبه کنونی مقبره متولیان آستانه که باید همان «مقبره میر فغفور» باشد ذی حجه سال ۱۲۷۸ است. تزیینات گچ بری این بنا و همچنین رواق بالاسرمزار نیز گویا در همین تاریخ به وجود آمده است.

در سال ۱۲۹۳ ایوان های حرم و داخل بقعه شریف وسیله حاجی محمد باقر امینی از ثروتمندان قزوین آینه کاری شده است<sup>۹۶</sup>.

در سال ۱۳۰۷ به دستور میرزا علی اصغر خان امین السلطان صدراعظم به دستگیری و مباشرت آقا باقر سعد السلطنه که آن هنگام حکمران قزوین بود از بقعه امامزاده مرمتی به عمل آمده و صحن پیشین آستانه را ویران ساخته، صحنی دیگر به جای آن بنیاد شد و ایوانی با تزیینات کاشی کاری پیشاپیش درگاه ورود بقعه بنا گردید<sup>۹۷</sup>.

در سال ۱۳۱۸ ه. ق حاجی محمد علی امینی تزیینات کاشی کاری روی گنبد را تعمیر و تجدید نمود<sup>۹۸</sup>.

در سال ۱۳۴۰ ه. ق سقاخانه بزرگ جلوی ایوان شمالی مزار

۹۳- سند شماره ۵۴ در بخش سوم همین نوشته.

۹۴- اسناد شماره ۶۸ و ۶۹ همین جا.

۹۵- مینودر: ص ۶۵۸ سطر ۲۶.

۹۶- همان مأخذ: ۶۵۶.

۹۷- کتیبه سردر ورود صحن و جبهه ایوان بقعه.

۹۸- مینودر: ۶۵۷.

ساخته شده است.<sup>۹۹</sup>

در نیم قرن اخیر نیز تعمیرات مکرری از بنای مزار و گنبد و صحن و مرافق آستانه وسیله اهالی قزوین و اداره باستانشناسی انجام گرفته که آنچه تا بیست سال پیش صورت یافته در کتاب مینودر<sup>۱۰۰</sup> به اجمال یاد شده است. در سالهای اخیر که تصدی آستانه با هیأت امناء<sup>۱۰۱</sup> است به نحو مستمر و پیگیر اقداماتی قابل تقدیر در تعمیر و تجدید ابنیه آستانه و احداث مرافق و ملحقات جدید با رعایت اصول انجام گرفته است

در پایان بحث از تاریخ آستانه شاهزاده حسین به این نکته نیز باید اشاره نمود که چون آستانه مزبور به خاطر توجه و اقبال مردمان مهم ترین مرکز تجمع محلی شمرده می شده است<sup>۱۰۲</sup> در وقایع و حوادث شهر قزوین صحن و حرم شاهزاده حسین کانون ماجرا بود. نمونه ای از این قبیل مربوط به تحصن مردم قزوین در این آستانه به سال ۱۳۲۵<sup>۱۰۳</sup> در کتاب مینودر دیده می شود<sup>۱۰۴</sup>.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۹۹- کتیبه همین بنا .

۱۰۰- مینودر : ۶۵۷ .

۱۰۱- هیأت امناء آستانه شاهزاده حسین مرکب است از دو بازمانده دودمان تولید آستانه و سه تن از بازرگانان و افراد محترم محلی .

۱۰۲- فردوس در تاریخ شوشتر : ۵۷ .

۱۰۳- در ماجرای انتخابات دوره اول مجلس شوراییلی .

۱۰۴- مینودر : ۸۶۲ .

## -۲-

## مجموعه بنا

بقعه مدفن حضرت شاهزاده حسین پیش‌ترها در قبرستان بزرگ شهر واقع بوده که اکنون به جای آن میدانی سرسبز در شمال و درختستانی در جنوب مزار قرار گرفته‌اند. بقعه در میان صحن بزرگی است که با دودرگاه ورود در شمال و جنوب با بیرون ارتباط می‌یابد. آشپزخانه آستانه در زاویه جنوب غربی و حسینیه در زاویه جنوب شرقی قرار گرفته، و پیشاپیش درگاه ورود شمالی در داخل صحن سقاخانه حضرتی است. گرداگرد صحن ایوان‌هایی است با آرایش‌های کاشی‌کاری که معمولاً هر یک با طرحی خاص خود تزیین شده است.

پیشاپیش بقعه متبرک حضرت شاهزاده حسین دو ایوان در شمال و جنوب هست که ایوان شمالی جزء بنای اصلی بقعه و سقف آن در همه‌سو با مقرنس‌کاری و لچکی‌های پیشانی با کاشی‌های دوره صفوی آراسته است جز آن که در دوره ناصری تالاری جلوی آن بنا نموده‌اند. ایوان جنوبی را هیات امناء آستانه در سال‌های اخیر بنا و به سبک زیبایی با کاشی‌کاری آراسته‌اند. بدنه خارجی بقعه در دو سوی دیگر (شرق و غرب) با کاشی‌کاری و نام‌های متبرک الله و محمد و علی به خطوط بنایی، و با مشبک‌های کاشی‌کاری آراسته بوده که در تعمیرات اخیر به سبک پیش تجدید گردیده است.

در جانب شرقی و غربی بقعه دو رواق بالاسر و پایین پا قرار دارد که درگاه‌های شرقی و غربی حرم بدانها گشوده می‌شود. هر دو رواق جزء بنای اصلی بقعه است جز آن که رواق

پایین پا ساده و عاری از تزیین، و رواق بالاسر بانقش و نگار گچ بری رنگ آمیزی شده در سقف و کتیبه ای نو در کمر بند بنا مزین است که این کتیبه - مشتمل بر ابیاتی چند - در همین سال جاری افزوده شده است .

به موازات ایوان شمالی - که با افزوده شدن تالار پیشاپیش آن به صورت «دارالحفاظ» (در آستانه های مشابه) درآمد است - در دو زاویه شمال غربی و شمال شرقی بقعه متبرک، دو بقعه کوچک است به شکل دارالسیاده و دارالتولیه، که بقعه شمال شرقی با چهار بدنه گچ بری ظریف و زیبا و مشبك های ارسی چوبی، و بقعه شمال غربی - که آرامگاه خانوادگی متولیان پیشین مزار و گویا همان «مقبره میرفغفور» یادشده در خلد برین است - باتزیینات نقش و نگار رنگ آمیزی شده زرین در بدنه و سقف و کتیبه ای در کمر بند بنا مزین است. قسمت پیشاپیش این دو بقعه از ایوان نیز با مقرنس کاری آراسته شده است .

بنای بقعه از آثار قرن دهم است. در چهار سوی بقعه شاه نشین هائی است که از هر يك دری به ایوان یا رواقی گشوده می شود. در ورود بقعه از ایوان شمالی از نفائس فن مثبت کاری دوره صفوی است و در ورود جنوبی نیز قدیم است. ازاره بقعه کاشی خشتی و بدنه آینه کاری و در بالا گرداگرد کتیبه ای است کمر بندی به خط ثلث طلایی . در سردر درگاه ورود شمالی - از داخل - نیز دو بیت گویا از شیخ بهایی در يك سطر به خط کتیبه و از همان تاریخ نوشته شده است .

ضریح سیمین مزار در میان بقعه قرار گرفته و صندوق مثبت مرقد شریف در وسط آن قرار دارد .

\*\*\*

طرح کلی ابنیه مزار شاهزاده حسین بدین گونه است که



گذشت. در کتاب مینودر وصفی دقیق‌تر و تفصیلی‌تر از ابنیه آستانه هست که نقل آن به عین عبارات سودمند است:

«آرامگاه حسین بن علی بن موسی الرضا (ع) در وسط محوطه بزرگی که صحن خوانده می‌شود قرار دارد. محوطه از سه طرف شمال و خاور و باختر مستقیم و از سوی جنوب انحنائی دارد که تقریباً هلالی شکل است. دور تا دور صحن با دیوارهایی محاط است که به صورت طاق‌نماهای وسیعی ساخته شده و با کاشی‌های رنگین تزیین گردیده است. طول آن در حدود یک صد ذرع و عرض آن ۷۰ ذرع است. در قسمت شمال در وسط و روبه روی ایوان طاق‌نمای بزرگی است که از دو طرف شرق و غرب آن دو راهرو به درازای ۳ و پهنای ۲ متر به دالان و در ورود متصل است. طول دالان نیز ده متر و عرض آن شش متر است و در ورود به صحن در وسط دالان قرار دارد. در سه جانب خاوری و باختری و جنوبی صحن از داخل جمعا پنجاه و دو طاق‌نما بنا شده که هر یک چهار متر درازا و دو متر پهنای دارند. سمت شمال نیز علاوه از طاق‌نماهای جلو، در عقب دارای ده باب حجره بزرگ است که در طرفین راهروها واقع شده‌اند و در معنی هر حجره یک جلوخان هم در جلو دارد. کلیه طاق‌نماها و حجرات با آجر تراش ساخته شده و با کاشی تزیین گردیده است مخصوصاً ابروان طاق‌نماها را با کاشی گل و برگ اسلیمی به طرز زیبایی بنا کرده‌اند. حجره‌های ده‌گانه شمالی دارای ارسی است و هر یک از آنها اختصاص به آرامگاه خانواده‌ای دارد. در بعضی از حجره‌ها نیز یک یا چند نفر که از معاریف بوده ولی باهم نسبتی ندارند مدفون گردیده‌اند. غالب این حجرات در قدیم مفروش و دارای چراغ بوده است. اکثر شب‌های جمعه و دیگر شب‌های عزیز از محل موقوفات اشخاص متوفی چای و قهوه داده می‌شد و اشخاصی موظف بودند در سرمزار کلام الله

مجید تلاوت نمایند ، گاهی هم روضه‌ای در بعضی از مقابر برپا می‌گردید .

باری - در فاصله میان دالان و ایوان شمالی حوض بزرگی از مرمر است و تمام کف حیاط صحن و ازاره‌ها و کف طاق‌نماها و حجرات با قطعات بزرگ سنگ مرمر مفروش است. در برابر در بزرگ شمالی که مدخل صحن است جلوخان هلالی شکلی به درازای ۱۸ متر و پهنای ده متر ساخته شده که ازاره و روسازی آن از سنگ مرمر است و کف جلوخان را سنگ قلوه فرش کرده‌اند...

سر در شمالی آستانه را باکاشی‌های رنگارنگ زینت داده، شش ستون که نوک هر یک از آنها مناره کوتاهی است با دو مناره کوتاه دیگری که در انتهای دو ضلع دیوار شمالی است و باکاشی‌های خوش رنگ ساخته شده تزیینات قسمت شمالی صحن را تکمیل می‌کند.

عمارت بقعه که در وسط محوطه یا صحن قرار دارد از سه جانب مستوی‌الاشکل و از سوی جنوب متمایل است. در شمال این بنا ایوان بزرگی است به درازای تقریباً بیست و پهنای هفت و بلندی ده متر که قسمت شمالی آن را دو ستون<sup>۱۵</sup> چوبی منقش نگاهداری می‌کند. سقف ایوان نیز خوانچه پوش و نقاشی شده بود که اکنون به کلی ریخته است. دیوار جنوبی تماماً آینه‌کاری و پوشش سقف ایوان شیروانی از آهن سیاه است. دو سوی خاوری و باختری ایوان دو کفشکن وسیع بنا شده و به وسیله پله به کف حیاط اتصال دارد. بالای کفشکن‌ها یعنی اشکوب دوم دو شاه‌نشین ساخته شده که از شمال به حیاط و از مشرق و مغرب به ایوان مشرف است. در دیوار جنوبی هر یک از کفشکن‌ها پنجره‌ای از کاشی معرق به کار رفته که از نظر صنعت قابل توجه است. پشت کفشکن‌ها دو حجره

۱۰۵- کذا . درست : چهارستون .

واقع است که در آنها از رواق شمالی است. شکل داخل حرم به صورت دوازده ضلعی است و در چهار جانب آن چهار رواق بنا شده که در ورود به حرم از ایوان و رواق شمالی است. در ازاره‌های رواق شمالی و ایوان و کفشکن‌ها و کف آنها همچنین ازاره‌های خارج بنا تماماً سنگ‌های مرمر بزرگ و پررنگ و به کاررفته که بعضی از قطعات آن دارای نفاست خاصی است. ازاره داخل حرم و محوطه زیرگنبد را باکاشی‌های گل و بوته‌ای برجسته زینت داده و کف آن را با کاشی‌های کتانی مفروش کرده‌اند.

#### مساحت صحن و بقعه :

ساختمان اصلی بقعه که در وسط واقع شده  $۷۳۰/۶۰$  مترمربع (قاعدتاً باید  $۷۰۰$  ذرع باشد)، ارتفاع تا زیر گنبد  $۸$  متر، مساحت محوطه صحن  $۴۱۰۰$  مترمربع، مساحت ساختمان ده باب حجرات شمالی  $۳۹۰$  مترمربع، مساحت ساختمان طاق‌نماهای دورتادور محوطه صحن  $۵۸۹/۶۰$  مترمربع، مساحت کلیه بنا  $۵۸۱۰/۲۰$  مترمربع است.<sup>۱۰۶</sup>

ژئوشگاه علوم و اطلاعات فرهنگی

اینک وصف کتیبه‌ها و آثار مورخ این مزار به ترتیب قدمت:  
 (۱) صندوق منبت مرقد شریف که از قرن نهم است و از نفایس آثار هنری شمرده می‌شود. این صندوق را بنا بر آنچه در کتیبه‌های بدنه شرقی آن (پایین‌پا) دیده می‌شود دو برادر هنرمند به نام‌های استاد علی و استاد بایزید فرزندان باباخواجه تبریزی به سال  $۸۰۶$  ساخته و پرداخته‌اند.

گرداگرد بدنه‌های چهارگانه این صندوق، در چهار لبه اضلاع هر بدنه، کتیبه‌هایی است که بخشی از آن (کتیبه لبه بالای مرقد

۱۰۶- مینودر: ۶۵۳-۶۵۶.

در دو جانب غربی و شمالی) مشتمل بر نام و نسب امامزاده، و باقی مانده منظومه‌ای است در ثنای معصومان چهارده گانه. متن این کتیبه‌ها در کتاب مینودر هست<sup>۱۲</sup> و چون نکته‌ای تاریخی ندارد از نقل آن در این جا خودداری می‌شود.

در قاعده صندوق که پایه چهاربدنه فوق است و اندازه‌های بزرگتر دارد کتیبه‌هایی است که قسمت شرقی آن مشتمل بر تاریخ ساخت و نام بانی و سازندگان صندوق چنین است:

کتیبه لبه بالای قاعده صندوق:

«قد من الله تعالی علی الفقیر حسن بن عماد بن جوانمرد المشتهم  
بفخر الزرندی جعله الله من اصحاب الصراة السوی بتجدید نجر صندوق  
در صدف الفتوة والولایه و وفق بوجه حسن فی اخری جمادی حجة  
ست وثمانائة من»<sup>۱۸</sup>

کتیبه دو لبه عمودی این بدنه:

اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد / وسلم تسلیماً کثیراً و عظم  
تعظیماً .

میان این دو کتیبه عمودی، دو کتیبه عمودی دیگر نیز هست  
این چنین:

سمت راست: عمل استاد بایزید ابن باباخواجه تبریزی.

سمت چپ: عمل استاد علی ابن باباخواجه تبریزی.

(۲) در منبت شمالی بقعه که نیز از نفایس فن منبت کاری قرن

۱۰۷- ص ۶۵۹، لیکن باغلاط بسیار زیاد که البته ناشی از آن است که در  
آن ایام داخل ضریح تاریخ بوده و نوشته‌ها بدرستی آشکار نبوده است. ولی  
اکنون درون ضریح با چراغهای قوی کاملاً روشن است و کتیبه‌ها به آسانی  
خوانده می‌شود.

۱۰۸- کلمه (لهجرة) باضمایم احتمالی آن لا بد در آغاز نوشته بدنه دیگری  
است که نگارنده در هنگام بازدید از مزار به فکر یافتن آن نبوده است.

دهم است و برتنکه‌های چهارگانه بالا و پایین دو لنگه آن این کتیبه به نستعلیق نوشته شده است:

«تم هذا الباب فی زمان دولت سلطان الاعدل خلاصه اولاد خیر البشر  
دواج / دهنده مذهب اثنی عشر ابوالمظفر سلطان شاه طهماسب  
بهادرخان خلدالله ملکه و سلطانه / امر باتمامه اسدالله بن درویش  
محمد طهرانی اصفهانی / تحریراً فی شهر رمضان المبارک سنه  
سبع و ستین و تسعمائة»

بر دماغه این در که در لبه لنگه شرقی است صلوات کبیر به شکل  
زیر، قسمتی در بالا و قسمتی در پایین، و میان آن دو قسمت سه  
بیت که پس از متن صلوات خواهد آمد به ثلث نوشته شده است  
«اللهم صل علی محمد النبی والوصی والبتول والسبطین والسجاد  
والباقر والصادق والکاظم والرضا والتقی / والنقی والمهادی  
العسکری والمهدی صاحب الزمان صلوات الله علیهم اجمعین الطیبین  
الطاهرین المعصومین»

« محمد عربی آبروی هر دو سرا

کسی که خاک درش نیست خاک پر سرا و  
شنیده‌ام که تکلم نمود همچو مسیح

بدین حدیث لب لعل روح پرور او  
که من مدینه علم علی دراست مرا

عجب خجسته حدیثی است من سگ در او»

سپس در پایین دماغه و پایان کتیبه این عبارت رو به بالا  
نوشته شده است:

«کتبه خلیل الله بن سلیم الله»

در پایان همین لنگه شرقی در میان کنده‌کاری‌ها این عبارت  
میان چهار ترنج کوچک خوانده می‌شود:

«عمل علاءالدین بن محمد نجار رازی غفرلهما»

در خاتم کاری و قدیم جنوبی بقعه نوشته و کتیبه ای ندارد.

۳) کتیبه سر در ورود همین بقعه که پس از تعمیرات دوره ناصری به بالای درخروجی جنوبی صحن منتقل شده و در بالای سر در نصب گردیده است. متن آن به ثلث سفید حاکی از تجدید بنای مزار است در دوره سلطنت شاه صفی به دستور زینب بیگم دختر شاه طهماسب صفوی<sup>۱۰۹</sup> این چنین:

« بسم الله الرحمن الرحيم ، تیمنا بذکرمن بامرہ جری القلم .  
من التوفیقات التي خصص الله تعالى بعض عباده وامائه صدور  
الامر المطاع عن نواب الحضرة العلية العالیة فساتحة الخیرات نتیجة  
اعاظم الخواقین ناموس العالمین زینب بیگم بنت السلطان بن السلطان  
شاه طهماسب الحسینی نورالله قبره و ادام الله تعالی ظلال جلالها علی  
رئوس الخلائق ببناء بنیان تلك الروضة البهیة المقدسة المنسوبة  
الی الحسین بن علی بن موسی الرضا علی مشرفها وآبائه المعصومین  
الف الف تحية ، فی زمن دولة السلطان الاعظم والخاقان الاکرم مولی  
ملوک العرب والعجم السلطان بن السلطان الخاقان بن الخاقان ابوالمظفر  
الشاه صفی بهادرخان خلدالله تعالی ملکه وسلطانہ . فی تاریخ شهر  
محرم الحرام سنة ۱۰۴۰ من الهجرة النبویة»

۴) متن کتیبه گرداگرد بقعه متبرک به ثلث طلائی در زمینه

۱۰۹- از این زینب بیگم دختر شاه طهماسب وقف نامه ای مورخ ذی ۹۹۷ در اسناد آستانه ری هست که متن آن در مجله راهنمای کتاب ، شماره ۱ از سال هفتم ، ص ۱۴۰-۱۴۳ نیز نشر شده است (نیز به بینید نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران درباره نسخه های خطی ۶۳:۲ و فهرست میکروفیلم های آن کتابخانه ۱۱:۱) . در کتاب «تحقیق در امور دیوانی اسلامی» آقای هربرت بوس (صفحات ۲۰۸-۲۰۹) فرمانی است از شاه سلیمان مورخ شوال ۱۰۸۴ درباره موقوفات زینب بیگم مزبور (نیز بررسی های تاریخی ۴/۴: ۲۳۴-۲۳۵) .

لاجوردی سورهٔ دهر<sup>۱۱۰</sup> و پس از آن سورهٔ جمعه<sup>۱۱۱</sup> است که از اسپر بالای درگاه ورود شمالی آغاز شده و در بغله شرقی همان درگاه پایان می‌پذیرد. با تاریخ «فی سنة ۱۱۳۱» در پایان کتیبه کنار زاویه همین درگاه .

زیرا این کتیبه بر سر در همین درگاه ورود، به خط کتیبه و از همان تاریخ، این دوبیت در یک سطر نوشته شده است :

« قزوین صفائها بلطف ازلی من لمعة بقعة حسین بن علی  
یا زائر قبره الراجی منه طوبی لك ابشر ببلوغ الامل»

این رباعی به نوشته کتاب مینودر<sup>۱۱۲</sup> سروده شیخ بهائی است.

اگر این نسبت مستند به نقل افواهی بوده و مأخذ مکتوب معتبری نداشته باشد به نظر بسیار نزدیک تر می‌نماید که سروده قوام‌الدین محمد سیفی حسنی دانشمند همین دورهٔ قزوین باشد که منظومه‌ها، و ابیات و سروده‌های بسیاری از او به زبان عربی در دست است و یک دوبیتی از او دربارهٔ قم به همین وزن و شکل در درهٔ نادره<sup>۱۱۳</sup> هست.

۵) کتیبهٔ گرداگرد مقبرهٔ خانوادگی متولیان بقعه در غرب ایوان شمالی مزار - که چنان‌که گذشت گویا همان «مقبرهٔ میرفغفور» یاد شده در خلد برین باشد - غزل معروف سعدی است با این مطلع:  
یارب از ماچه فلاح آید اگر تو نپذیری

به خداوندی لطف که نظر بساز نگیری

۱۱۰ - قرآن کریم ، سورهٔ ۷۶ .

۱۱۱ - قرآن کریم ، سورهٔ ۶۲

۱۱۲ - صفحهٔ ۶۵۱ .

۱۱۳ - چاپ انجمن آثار ملی ، ص ۷۱۵ . اشعار و رباعیات دیگری از او در همین کتاب (صفحات ۱۷۳ و ۲۳۳ و ۲۷۴) هست . در کتابخانهٔ خاندان حاج سید جوادی قزوین نسخه‌ای است از شرح عده صدرالدین محمد حسینی که همین قوام‌الدین محمد تقریظی منظوم بر آن دارد (نشریهٔ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران دربارهٔ نسخه‌های خطی ۶: ۳۴۵) . دربارهٔ او و آثار و منظومه‌های وی دیباچهٔ سند شمارهٔ ۳۰ در همین بحث دیده شود .

درمیان هردو مصرع از این غزل بر بدنه‌های چهارگانه بقعه میان ترنج‌هایی صلوات‌کبیر بدین شکل نوشته شده است :

«اللهم انى اسالك بحق محمد وعلی وفاطمه والحسن والحسين  
وعلى ومحمد و جعفر وموسى وعلی ومحمد وعلی والحسن والحجة  
المنتظر صلوات الله عليهم اجمعين بعظمتك<sup>۱۱۴</sup> واقض حوائجنا  
برحمتك يا ارحم الراحمين»

و در چهار گوشه بقعه در چهار ترنج بیت:

نادعياً مظهر المعائب تجده عوناً لك فى النوائب

به همان شکل کتیبه شده ، و در پایان در بالای در ورودی کوتاه بقعه از زاویه غربی ایوان شمالی در زیر مصرع آخر غزل سعدی رقم کاتب و تاریخ کتیبه بدین گونه خوانده می‌شود :

« حرره عبدالغفار . شهرذی‌حجة الحرام سنة ۱۲۷۸ »

۶) در جبهه تالار پیشاپیش ایوان شمالی بقعه - که چنان که پیش‌تر گفتیم در دوره ناصرالدین شاه به دستور امین‌السلطان صدر اعظم وسیله آقا باقر سعدالسلطنه حکمران قزوین ساخته شده است - این دو بیت به نستعلیق طلایی بر کاشی‌های لاجوردی ثبت است :

«در زمان دولت خاقان قیصر پاسبان

ناصرالدین شاه غازی خسرو صاحب قران

شد علی اصغر امین داور دارا شکوه

چاکر سلطان ایران خادم این آستان

۱۳۰۷

عمل استاد علی اکبر کاشی‌پز - کتبه محمدالمشهور بشالی ۱۳۰۷»

۷) در سردر شمالی صحن بالای درگاه ورود این کتیبه به نستعلیق

سفید بر کاشی لاجوردی به شکل دوسطری نوشته شده است :

۱۱۴- کلمه «بعظمتك» تعمیری است .



« چون مؤید شد ز لطف خاص رب العالمین  
 آصف دوران وزیر اعظم دارای دین  
 آن معین بی پناهان مامن بیچارگان  
 شمع بزم عارفان سلطان ایران را امین  
 آن همایون فر که ذرات وجودش از ازل  
 گشته با مهر و لای آل پیغمبر عجین  
 بهر تعمیرات صحن سبط شاه اولیا  
 نو نهال گلشن گلزار<sup>۱۱۵</sup> خیر المرسلین  
 ریخت از بس سیم وزرگفتا خردگویامدام  
 یارد از ابر کفش یاقوت احمر بر زمین  
 در زمان دولت شاهنشاه دارا شکوه  
 ناصرالدین شاه غازی صاحب تاج و نگین  
 پور ابراهیم داد این کعبه را از نو صفا  
 بهر سبط قبله هفتم امام هشتمین  
 کند از بنیاد بر پا کرد از نو این بنا  
 سود زین سودای نیکو سر به چرخ چارمین  
 ز اهتمامات بلیغ و سعی سعد السلطنه  
 حکمران خطه قزوین و ارباب یقین  
 آن سمی حضرت باقر که شد از همتش  
 این فضای روح پرور رشک جنات برین  
 کو سلیمان و سکندر؟ قیصرو خاقان کجاست  
 تا که ساینند از پی رفعت بدین درگه جبین  
 گفت معمارش پی تاریخ او بنا مجرمان  
 کی گنه کاران سلام ادخلوها آمین

« ۱۳۰۷

ودر میان دومصرع اخیر ابیات نهم ودهم این عبارت به نسخ خوانده می شود :

«عمل استاد علی اکبر کاشی پز ۱۳۰۷»

۸) گرداگرد سقاخانه حضرتی که برابر ایوان شمالی نزدیک راهرو ورود شمالی صحن واقع است در بالا ابیات ذیل به نستعلیق سفید برکاشی نوشته شده است.

«بسم الله الرحمن الرحيم .

هر بنایی با علی و آل او شد منتسب

کعبه مقصود باشد قبله حاجت طلب

ساخت اندر صحن این شهزاده والاحسین

حاج آقای طیب نام محمود النسب

چون به یاد شاه مظلومان حسین آباد شد

بر یزید و تابعانش تا قیامت لعن و سب

این بنا از العطش گویان دشت کربلا

هم بود رفع عطش هم دافع رنج و تعب

حضرت عباس سقا و علمدار حسین

زین بنا آید به یاد شیعیان در روز وشب

بی دویی بنما مکرر «عاقبت محمود» را

پس بجو تاریخ این نیکو بنای منتخب

« ۱۳۴۰ »